

## پیامدها و آسیبهای کودک همسری

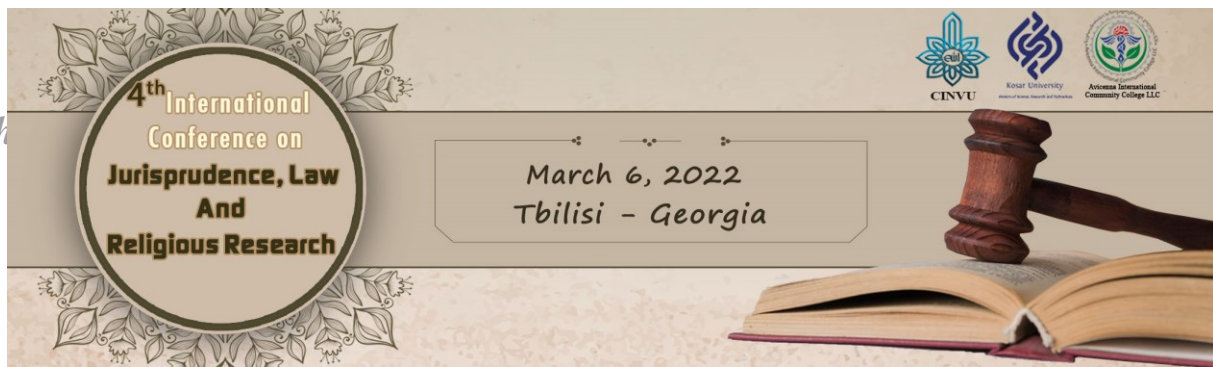
سمیه میرشاه<sup>۱</sup>

۱- کارشناس ارشد حقوق خصوصی

### چکیده

«کودک همسری» هرچند از حیث تاریخی و اجتماعی در باورهای فرهنگی و مذهبی جامعه ما ریشه دارد، لیکن با توجه به تغییر و تحولات بنیادین در برخی باورها و واقعیت های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و به این هنجار دیرینه به تدریج از سوی اخلاق حسنه و نظم عمومی به چالش کشیده شده و از همین رو قانونگذار نیز گاه و بیگاه به این موضوع پرداخته است. با وجود پیشرفت علم و افزایش آگاهی مردم در رابطه با عدم ازدواج در سنین پایین، متأسفانه هنوز هم شاهد کودک همسری هستیم. افزایش مشکلات اقتصادی، باقی ماندن باورهای غلط از نسل های پیش و دوستی هایی که در سنین پایین رخ می دهد از دلایل اصلی این اتفاق هستند. در واقع ازدواج در سنین پایین مشکلات بسیاری را برای کودک و جامعه ایجاد خواهد کرد و با افزایش آسیب های جسمی و روانی همراه خواهد بود. آسیب های وارده بر کودک در اتفاق تلخ کودک همسری می تواند آینده او را کاملاً تحت الشعاع قرار داده و دنیای کودکانه او را به تلخی های واقعیت هایی که متناسب با سن کودک نیستند پیوند بزند. نهاد حقوقی - اجتماعی ازدواج ابعاد بسیار گسترده تر و پیچیده تری دارد و تعیین فاکتور بلوغ جنسی به تنهایی - صرف نظر از مناقشاتی که در باره ملاک تعیین سن بلوغ وجود دارد مفید به فایده نیست. توجه ویژه قانونگذار و حمایت حقوقی از کودکان در یکی از مهمترین اعمال حقوقی زندگیشان ضرورت و اهمیت می یابد و قانونگذار در بازنگری خویش، ناگزیر است به آسیب ها و تهدیدات ناشی از ازدواج کودکان و پدیده «کودک همسری» نگاهی ویژه داشته باشد.

**کلید واژه ها:** کودک، ازدواج، آسیبها



## ۱- مقدمه

ازدواج کودکان یا کودک همسری نوعی ازدواج رسمی یا غیر رسمی است که در آن فرد قبل از رسیدن به هجده سالگی یا حتی گاهی قبل رسیدن به بلوغ وارد پیمان زناشویی می شود. کودک همسری هم در مورد کودکان دختر و هم کودکان پسر به کار می رود که با مردان و زنان بزرگسال یا به اجبار حاصل از سنت های قومی یا مشکلات اقتصادی اجتماعی خانواده ازدواج می کنند.

با توجه به این که نکاح دختران قبل از ۱۵ سال تمام و پسران قبل از ۱۸ سال تمام در قانون مورد توجه قرار گرفته است. در عرف جامعه مسلمانان به کودک همسری مشهور و معروف شده است.

اجمال و ابهام قانون در خصوص ازدواج کودکان، سن ازدواج و مصلحت در ازدواج کودکان با قابلیت موجود در رویه قضایی و نقش قضات در تطبیق مصادیق برطرف می شود و با اصلاح این ضعف قانونی، حمایت از کودکان در برابر ازدواج های زود هنگام تضمین می گردد. در کارکرد دوم رویه قضایی به مثابه ابزاری در جهت منطبق نمودن قانون با نیازهای اجتماعی عمل می کند. (اعتدال، ۱۳۸۹: ۷۶) انعطافی مطابق با ویژگیهای فرهنگی یک نظام حقوقی فراهم می کند. (علیزاده، ۱۳۹۳: ۱۶۶)

قانونگذار در قوانین ایران، خاصه در ماده ۱۴۰۱ قانون مدنی، تعریف و تبیینی صحیح و مشخص از مصلحت ارائه نداده است و در نتیجه تعیین نشدن گزاره ها و معیارهای مشخص در جهت احراز مصلحت، سبب شده است تا در آراء تشتت ایجاد شود. لذا آنچه در حال وقوع است عدم وحدت رویه در خصوص بررسی معیارهایی است که بایستی توسط قضات محاکم جهت احراز مصلحت در ازدواج کودکان مورد توجه قرار گیرد. با توجه به توسعه نیافتگی برخی جوامع و نیز تعصبات فامیلی و قبیله ای و قومیتی و عدم توجه به مصلحت کودکان بسیاری از حقوق آنان محدود و یا تضییع می گردد یکی از مصادیق این محدودیت و تضییع کودک همسری بوده که هنوز قوانینی که مربوط به آن اختصار و مشخص نشده است.

به نظر می رسد با توجه به اهمیت مسأله ازدواج و تشکیل خانواده و آثار حقوقی مترتب بر آن برای تعیین سن ازدواج در قانون مدنی باید به ملاک ماده ۲۳ قانون جدید حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ مراجعه کنیم.

## ۲- مفاهیم کودک همسری

### ۲-۱- کودک

در این بخش به تبیین کودک و کودک همسری پرداخته می شود.



در تعریف برخی از حقوقدانان اشاره شده است به این که مقنن از میان تمامی نشانه های بلوغ مذکور، صرفاً به رسیدن صغیر به سن معین اکتفا نموده و سن را اماره ی بلوغ دانسته است، هر چند که سایر نشانه ها ظاهر نشده باشد؛ در صورتی که سن به همراه سایر نشانه ها آماره ی بلوغ محسوب می شود (صفایی و امامی، ۱۳۹۳: ۷۸). اما طبق نظر برخی از بزرگان از طریق جمع بین اخبار می توان گفت «آنچه به کودک اهلیت و صلاحیت می بخشد انقلاب جسمی و روانی است و سن یکی از اماره های وقوع چنین انقلابی است که در زبان عرف و حقوق بلوغ نامیده می شود» (گرگی، ۱۳۹۲: ۸۲)

دوره ی کودکی از زمان انعقاد نطفه در رحم مادر شروع می شود. با پایان دوران کودکی و صغر، فرد اهلیت انجام حقوقی را پیدا می کند. اما اینکه چه زمانی کودک وارد عرصه ی بزرگسالی می شود ویژگی هایی برای آن ذکر کرده اند. دانشمندان، بلوغ را انتقال از مرحله ی کودکی به بزرگسالی دانسته اند. تغییرات فیزیولوژیکی که در این دوره در بدن کودک رخ می دهد موجب تحولات جسمی و روانی در او می شود.

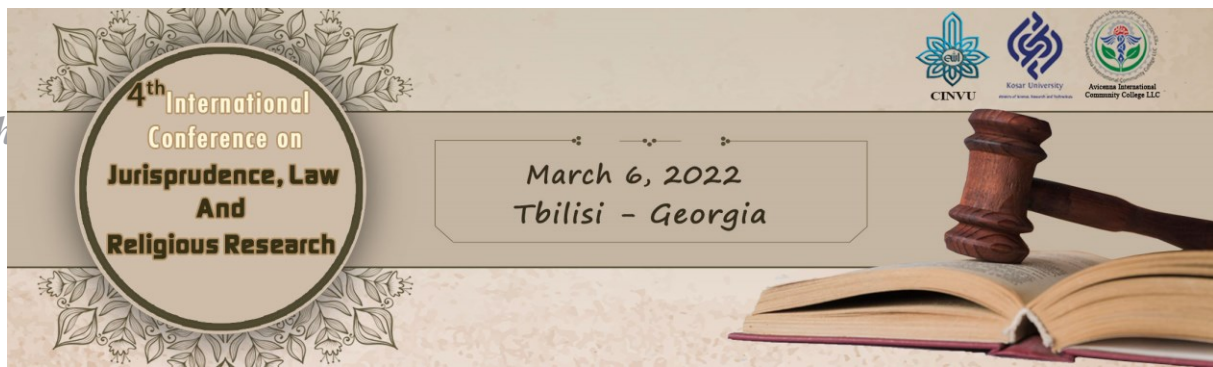
در فقه برای بلوغ نشانه های طبیعی از جهت جسمی عنوان شده است. نشانه ی بلوغ در پسران شامل احتلام و رشد موهای زهار و در دختران حیض و باردار شدن است. علاوه بر این نشانه ها، یکی دیگر از علائم بلوغ، تعیین سن بلوغ است که در آن میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. در خصوص سن بلوغ پسران، در صورتی که علائم طبیعی ظاهر نشده باشد، ۱۵ سال تمام قمری و برای دختران نه سال تمام قمری را در نظر گرفته اند. صاحب جواهر در این خصوص ادعای شهرت کرده است (طاهری، ۱۳۹۳: ۲۰-۱۹) اما برخی از فقهای معاصر با این رأی مشهور مخالفت نموده و سن بلوغ را برای دختران ۱۳ سال در نظر گرفته اند؛ البته با این شرط که پیش از آن حائض نشده باشد (همان)

در قانون کنونی تعریف دقیقی از کودک ارائه نشده است و صرفاً در ماده ی ۱۲۱۰ قانون مدنی و تبصره ی آن به سن بلوغ اشاره شده است. ماده ی ۱۲۱۰ قانون مدنی اذعان می دارد: «هیچ کس را نمی توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد».

تبصره ۱- سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است. لذا می توان به طور خلاصه گفت که مقنن در طول چندین دهه در خصوص بلوغ نکاح (رسیدن به سن قانونی ازدواج) صرفاً رسیدن به سن معین را معیار بلوغ قرار داده و سایر علائم طبیعی را ملاک اهلیت شخص برای ازدواج ندانسته است. این در حالی است که بلوغ نکاح ناظر بر دو قاعده ی حقوقی است:

نخست حد اقل سن ازدواج و دیگری سن اهلیت کامل از دواج (طاهری، ۱۳۹۳: ۲۲ و ۱۵۱). در خصوص مورد اول غالباً مقنن حد اقل سنی را در نظر گرفته است، هر چند که استثنائاتی را بر آن وارد می کند. اما در خصوص سن اهلیت برای ازدواج در ماده ی ۱۰۴۱ کنونی قانون مدنی به آن توجهی نشده است.

طبق ماده ی یک کنوانسیون حقوق کودک نیز، «یک کودک انسانی است که سن هجده سالگی را هنوز تمام نکرده است مگر اینکه سن بلوغ از نظر حقوق جاری در کشورهای مربوطه زودتر تعیین شده باشد». طبق این تعریف سن کودک، زیر



هجده سال در نظر گرفته شده است، اما با توجه به استثنایی که بر اصل این ماده وارد شده، در کشورهای اسلامی نظیر ایران که قانون برگرفته از فقه می باشد به نظر می رسد تعریف کودک همان تعریفی است که در فقه موجود است. از آنجایی که موضوع پژوهش حاضر پیامدها و آسیبهای کودک همسری می باشد که ناظر بر ماده ی ۱۰۴۱ قانون مدنی است، لذا در این پژوهش مقصود از کودک، دختر زیر سن ۱۳ سال و پسر زیر سن ۱۵ سال تمام شمسی است.

## ۲-۱- کودک همسری

منظور از ازدواج کودکان، ازدواج دائم و موقت دختران زیر سن ۱۳ سال و پسران زیر سن ۱۵ سال تمام شمسی است که جهت ثبت نکاح، ولی آنها می بایست دلایل خود مبنی بر مصلحت آمیز بودن نکاح را در محضر دادگاه خانواده اثبات کند.

## ۲- مصلحت

مصلحت از ریشه ی صلح و به معنای جلب منفعت است و در مقابل مفسده و فساد به کار می رود، که در معنای اول آن را مصلحت ایجابی و در معنای دوم یعنی در صورت عدم مفسده، آن را مصلحت سلبی دانسته اند که به طور جامع تر در فصل سوم بیان می گردد. نزدیک ترین معادل قرآنی مصلحت واژه ی «خیر» است و محققین آن را هر عمل سودمندی می دانند که مصلحتی در آن باشد، مصلحتی که یا از احکام شرعی بدست آمده و یا از طریق عقل و عرف به ما رسیده باشد (پور عبدالله، ۱۳۹۵: ۱۱۷) از طرفی لغویین از تفسیر «مصلحت» به معنای «منفعت» پرهیز کرده اند، اما نمی توان رابطه ی نزدیک بین واژه های «نفع» و «منفعت» و واژه های «صلاح» و «مصلحت» را انکار نمود، تا جایی که بعضاً به عنوان مترادف به جای یکدیگر به کار می روند (علیدوست، ۱۳۸۸: ۹۵).

## ۳- پیامدها و آسیبهای ازدواج در سنین کودکی

امکان بروز آسیب های ناشی از ازدواج کودک علاوه بر شخص صغیر، برای خانواده و اطرافیان آن نیز محتمل است. در مورد ازدواج کودک هر چند نمی توان مدعی شد که به محض انعقاد عقد، تمامی آسیبها متوجه کودک می شود اما می توان گفت که در فواصل زمانی مختلف و با کیفیت های متفاوت، حداقل یک یا چند مورد آن دامنگیر کودک خواهد شد. نکته ی دیگری که قبل از ورود به انواع آسیب ها می بایست به آن اشاره شود، تفاوت های ناشی از وراثت، محیط، تغذیه و شرایط روانی است که می تواند منجر به تغییر سن مناسب برای ازدواج شود. به عنوان مثال ممکن است فردی در سن ۱۲ سالگی شرایط فیزیکی و روانی مناسب ازدواج را داشته باشد و فردی دیگر در سنین بالاتر از ۱۳ سال به شرایط مناسب ازدواج نرسیده باشد. لذا آسیبهای نامبرده در ادامه ی متن بیشتر از آن که ناشی از محدوده ی سنی خاصی برای



ازدواج باشد، اشاره به شرایطی دارد که فرد به تکامل مورد نظر در پارامترهای مورد نیاز برای ازدواج نرسیده است. علاوه بر آن از آنجایی که طبیعتاً آسیب های ناشی از ازدواج کودکان بیشتر متوجه کودکان دختر است و از طرفی پژوهش هایی که تاکنون صورت گرفته است، آسیب های وارد به دختران را بیشتر مورد توجه قرار داده است، لذا آنچه غالباً در این بخش مطرح می گردد پیامدهای این نکاح برای کودک - عروسان است؛ هر چند آسیب های ناشی از آن برای پسرها نیز کم نبوده و از دید پژوهش گران نباید مورد غفلت قرار گیرد.

### ۳-۱-۳- پیامدهای معنوی آسیب به کودک

پیامدهای آسیب های معنوی در اثر ازدواج زود هنگام به کودک به شرح زیر بیان می شود:

#### ۳-۱-۱-۳- ناتمام ماندن دوران کودکی

جدا شدن از دنیای کودکی و به طور ناگهانی ورود به دنیای بزرگسالی و زناشویی یکی از بزرگترین آسیب هایی است که گریبانگیر کودک همسران می شود. طبق نظریه ی رشد روانی- اجتماعی اریکسون رشد ۸ مرحله دارد و در هر مرحله میزانی از شخصیت فرد رشد می یابد و شایستگی و صلاحیت یافتگی او تکمیل می گردد. اگر مرحله ای به خوبی پشت سر گذاشته شود شخص احساس تسلط می کند و اگر خلاف آن صورت بگیرد حس بی کفایتی و ضعف در فرد غالب می شود. طبق این نظریه مرحله ی پنجم، هویت در برابر گم گشتی نام دارد که کودک در این دوران به دنبال کشف استقلال است. اگر در این مرحله تشویق و پشتیبانی دریافت کند به حس استقلال و تسلط خواهد رسید و اگر نسبت به این تمایلات و خواسته هایش اطمینان کسب نکند، حس اطمینان به خود و آینده را از دست خواهد داد و به نوعی دچار گمگشتگی می شود. ازدواج کودکان که همراه با ورود کودک به مرحله ی نوجوانی است، سبب می شود که کودک بدون آنکه بتواند هویت خود را کشف کند وارد مرحله ی بعدی یعنی بزرگسالی شود و این عدم شناخت هویت منجر به عدم اطمینان نسبت به باورها و تمایلات فرد می شود و در زندگی جدید هم ادامه پیدا می کند. بدین ترتیب دوره ی کودکی و نوجوانی ناتمام می ماند و کودک با دنیایی از نیازها و انتظارات برآورده نشده به زندگی زناشویی وارد می شود (افتخارزاده، ۱۳۹۴: ۱۱۳ و ۱۱۶-۱۱۷)، از تکمیل فرایند جامعه پذیری در دوره ی نوجوانی باز می ماند و در برآورده کردن نیازها و انتظارات افراد جامعه با مشکل مواجه می شود. (صفوی و مینایی، ۱۳۹۴: ۹۲). از طرفی کودک از فضای کودکی دور میشود و ازدواج سبب جدایی او از خانواده، دوستان و از دست دادن حمایت مستقیم آنان می گردد و همچنین عدم تعامل با همسالان و دور شدن از فضای اجتماع را به همراه دارد و ثمره ی آن از دست دادن فرصتهای رشد و تکامل فردی است (لطفی، ۱۳۸۹: ۷۶). هرچند محتمل است که فرصت های اجتماعی به وجود آمده ناشی از ازدواج، شرایط رشد و تعامل اجتماعی بیشتر فرد را فراهم نماید.



### ۲-۱-۳-عدم حق انتخاب و تصمیم گیری

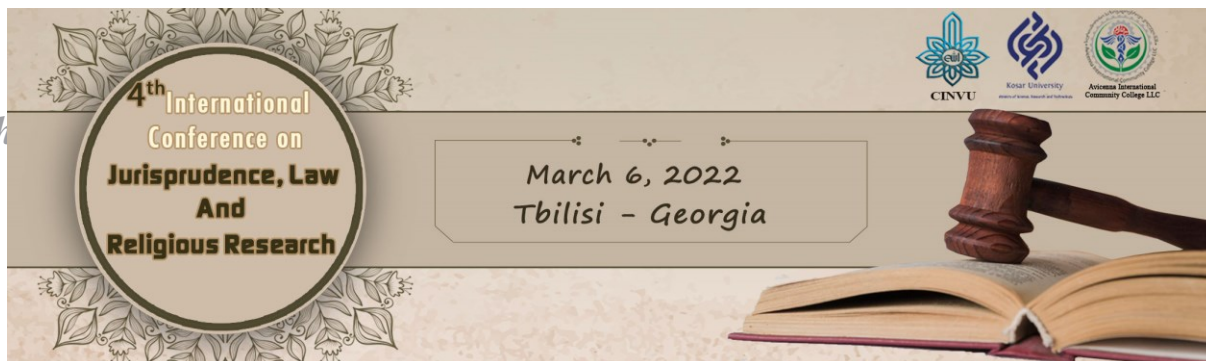
نداشتن قدرت انتخاب و تصمیم گیری از همان ابتدا در زندگی کودک همسران وجود دارد و حتی با گذر زمان و افزایش سن نیز تغییری در مناسبات قدرت در خانواده ایجاد نمی شود. گویی که ترس و مطیع بودن و واگذاری حق تصمیم گیری به مرد، در وجود کودک تثبیت می شود (افتخارزاده، ۱۳۹۴: ۱۴۷) این عدم قدرت در تمامی مسائل مالی، خانوادگی و اجتماعی بروز می یابد؛ از ناتوانی در انتخاب سفر مشترک گرفته تا تربیت فرزندان و همچنین ازدواج آنها و حتی حق دخالت در نحوه ی خرج کردن دستمزد خود را هم ندارند (همان، ۱۳۹۴: ۱۰۴).

### ۳-۱-۳-ترک تحصیل

بازماندن از تحصیلات پیامد دیگر ازدواج کودکان است؛ اکثر دختران پس از ازدواج اقدام به ترک تحصیل می کنند. در تحقیقی که در خصوص تاثیر ازدواج زود هنگام بر ترک تحصیل زنان جوان ایرانی صورت گرفته بود نشان داد که ۵۶ درصد از زنان متأهل بین ۱۰ تا ۱۹ سال، علت ترک تحصیل خود را ازدواج بیان کرده اند (همان: ۱۱۳). تحصیلات از آن جهت مهم است که آموزش هایی را هر چند ناقص در خصوص زندگی و کسب مهارت به فرد منتقل می کند و از طرفی داشتن تحصیلات می تواند به عنوان یک نقطه ی قوت و پشتوانه برای کودک محسوب گردد.

آموزش نقش محوری در بالندگی و ارتقای بینش و آگاهی کودکان دارد، اما متأسفانه پدیده ازدواج زودرس عمل شایع و مؤثری در محرومیت از تحصیل و آموزش به شمار می رود. بی تردید آموزش مطلوب، به رشد دانش و مهارت ها، توانای اعتماد به نفس و قدرت تصمیم گیری، لذت بردن از ارتباطات مثبت و سالم و در نهایت یک انتخاب آگاهانه در مورد بهداشت و رفاه در زندگی کمک می کند، تحقیقات نشان می دهند، مادرانی که ازدواج زودرس داشته اند، کمتر به آموزش فرزندان شان اهمیت می دهند، زیرا از فواید تحصیل کمتر اطلاع دارند. همچنین کمتر قادرند کودکان شان را حمایت کنند، به دلیل این که سطح تحصیل پایینی دارند که به تبع کودکان نیز زودتر از حد معمول ازدواج می کنند. آنچه به خوبی مشهود است این که میان ازدواج زودرس و تحصیلات پایین یک ارتباط بینابین وجود دارد، به گونه ای که پس از ازدواج، دسترسی دختران به آموزش رسمی و غیر رسمی به دلیل مسئولیت خانوادگی، زایمان و نگهداری کودک و محدود می شود. از دیگر سو مطابق بیشتر فرهنگها والدینی که دختران شان با ازدواج خانه را ترک می کنند، تمایلی به سرمایه گذاری برای تحصیل فرزندشان نشان نمی دهند، زیرا منافع سرمایه گذاری شان از دست خواهد رفت.

بر این اساس شایان ذکر است که پیشرفت هر جامعه ای از جنبه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، به تربیت و آموزش افراد آن جامعه از دوران کودکی به ویژه از سنین پایین، بستگی دارد، ولی ترک تحصیل کودکان نیز اگر در پی ازدواج زود هنگام باشد، آنان را از ویژگی های شخصیتی ای که به رشدشان و در نتیجه به رشد جامعه کمک می



کند، باز می دارد. همچنین این کاستی ها باعث تحمیل هزینه های سنگین، به دلیل از دست دادن توان افزایش بهره وری در آمد و بهبود کیفیت زندگی می شود.

#### ۴-۱-۳- نداشتن مهارت در تربیت فرزند

فرزندآوری ناخواسته و بدون برنامه ریزی از دیگر پیامدهای ازدواج کودکان است. عدم آگاهی از مسائل جنسی و زناشویی و عدم استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری منجر به بارداری های ناخواسته ی کودک - همسران می گردد که در تجارب اولیه منجر به سقط می گردد و پس از آن نیز با بارداری های مجدد همراه است. هر چند برخی از کودکان از سقطی که داشته اند احساس رضایت می کنند که نشان دهنده ی عدم آمادگی آنان برای پذیرش نقش مادری است (صفوی، مینایی، ۱۳۹۴: ۹۶)، اما برخی نیز خلاف نظر قبلی را داشته و با موجود درون خود انس گرفته و با فقدان آن ابراز ناراحتی می کنند (افتخارزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۵). عدم آمادگی برای مادر شدن و فرزند پروری در طول تربیت فرزند تاثیر خود را باقی می گذارد و موجب عدم ارتباط مناسب بین مادر و فرزند می شود. محیط خانواده فضای گرم خود را از دست میدهد و پس از آن نیز چرخه ی ازدواج کودک دیگری رقم می خورد و ازدواج کودک به نوعی موروثی می شود یعنی چنین ازدواجی را نیز برای فرزندان و حتی نوه های زنانی که در کودکی پا به عرصه ی زندگی مشترک گذاشتند شاهد هستیم (همان: ۱۲۸). البته خلاف آن هم وجود دارد؛ معمولا چنین مادرانی به سبب اینکه زندگی آنها با سختی همراه بوده، رضایتی به ازدواج فرزندانشان در سنین پایین ندارند (صفوی و مینایی، ۱۳۹۴: ۱۰۴)، اما غالبا به جهت عدم حق دخالت و تصمیم گیری در مسائل زندگی، این چرخه ادامه می یابد.

#### ۵-۱-۳- نارضایتی زناشویی و خیانت

نارضایتی مذکور در تمام ابعاد زندگی تاثیر خود را می گذارد و کراهت و بیزارای زن از همسرش را به دنبال دارد. در غالب موارد این انزجار و نفرت، چه از جانب مرد و چه از جانب زن به خیانت می انجامد. مرد همسرش را در رابطه همراه نمی بیند و زن نیز که از ابتدا با بی میلی تن به رابطه ای یک طرفه داده است و خشونت های مکرر جنسی، نفرت را در او تثبیت می کند؛ البته خیانت در ازدواج کودکان در یک عامل نمی گنجد. به علاوه ازدواج بدون رضایت و عدم انتخاب آگاهانه ی کودک عامل دیگری است که منجر به ارتباط ضعیف بین زوجین شده و زندگی را با بی مهری توأم می سازد. عدم ارتباط کلامی و غیر کلامی مناسب و از طرف دیگر عدم حمایت همسر نارضایتی زناشویی را به همراه می آورد (صفوی و مینایی، ۱۳۹۴: ۹۹).



### ۶-۱-۳- طلاق

طلاق نیز آسیب دیگری است که نتیجه ی عدم رضایت از زندگی زناشویی است؛ از طرفی کودک بدون آنکه به بلوغ فکری برسد وارد زندگی متأهلی شده و از طرفی در ایفای نقش ها و انجام مسئولیت های زندگی در مانده شده و توانایی اداره ی زندگی را از دست می دهد و در نهایت طلاق را چاره ی کار می بیند. نتیجه ی طلاق گرفتن کودکان هم افزایش فقر در میان زنان است، در حقیقت فقر که خود یکی از عوامل از دواج زود هنگام بوده است اکنون به وسیله ی طلاق مجدداً به فقر ختم می شود (مقدادی و جواد پور، ۱۳۹۶: ۴۲ و افتخارزاده، ۱۳۹۴: ۱۱۳)، چرخه ی فقر باز تولید میشود و بالتبع آسیب های اجتماعی دیگری را عاید کودکان مطلقه می نماید.

### ۲-۳- پیامدهای جسمی آسیب به کودک

پیامدهای آسیب زننده به جسم کودک در اثر ازدواج زود هنگام عبارت است از:

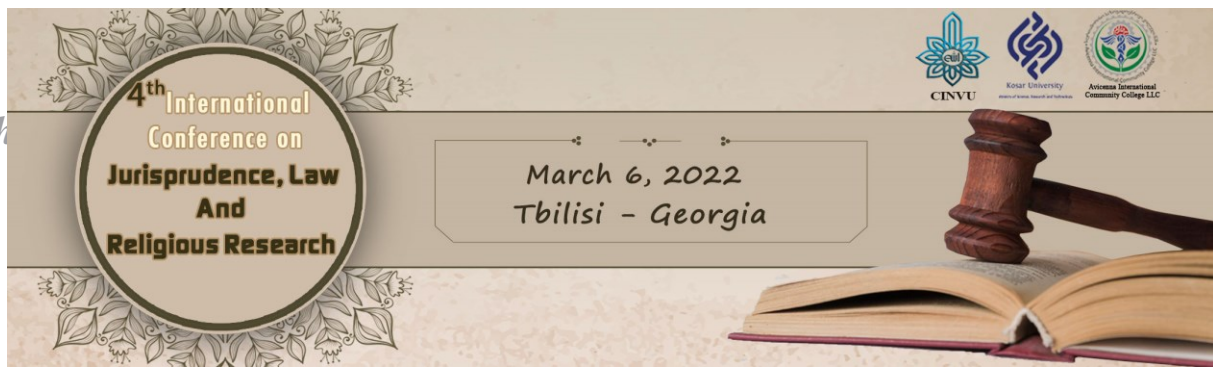
#### ۱-۲-۳- خشونت جنسی

دخترانی که زودتر از سن قانونی ازدواج می کنند، بیشتر در معرض خشونت خانگی، سوء استفاده و روابط جنسی اجباری هستند، به گونه ای که سن، عدم آموزش، عدم مشارکت و تصمیم گیری در امور، می تواند آنها را بیشتر در معرض خشونت و سوء استفاده قرار دهد که این خشونت تا بزرگسالی ادامه پیدا می کند. چنین کودکانی اصولاً همسر مردان متأهلی می شوند که با عنایت به اختلاف سنی که با یکدیگر دارند، کمتر قادر هستند با شوهرانشان صحبت کنند و در مورد مسائل خانواده تصمیم بگیرند و از سلامت و تندرستی خودشان محافظت کنند، به ویژه در اولین رابطه جنسی، این خشونت بیشتر نمایان است. در این میان، می توان به خشونت های جسمی که دامن گیر دختران می شود، مانند هل دادن، تکان دادن، سیلی زدن، مشت زدن، سوزاندن و حمله کردن با یک سلاح اشاره نمود.

به هر روی، پایان چنین ازدواجهایی به دلیل اختلاف سن با شوهر خویش و با درگیری با همسر اول شوهرشان یا طلاق است و یا این که شوهرشان به دلیل کهولت سن، فوت می کند و بیوه می شوند.

اگر خشونت جنسی را با عدم آمادگی و آگاهی فرد مقابل در روابط جنسی در ارتباط مستقیم بدانیم، در نکاح کودکان احتمال بالایی از آزار و خشونت جنسی وجود دارد. کودکی که از حداقل سن برای قبول آگاهانه و داوطلبانه ی مقاربت جنسی برخوردار نباشد و با عدم آموزش و آمادگی تن به رابطه دهد، به سبب تجربه ی دردناکی که از نخستین رابطه ی پس از نکاح دارد که معمولاً با خشونت هم همراه است، به نارضایتی زناشویی حتی در رابطه های مکرر بعدی می رسد تا جایی که رابطه ی جنسی را نوعی شکنجه می داند. لذا نقش شوهر و اختلاف سنی او با کودک و از طرفی داشتن آگاهی و اخلاق و مهارت برقراری رابطه ی جنسی با دختر از اهمیت بالایی برخوردار است. به علاوه در ازدواج زود هنگام «تنظیم





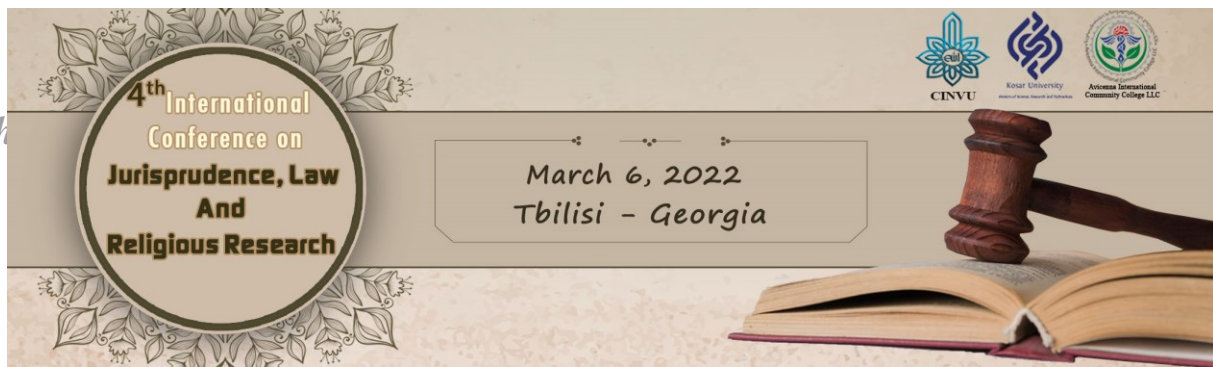
رفتار جنسی» که یکی از کارکردهای مهم خانواده تلقی می شود بر عهده ی مرد قرار می گیرد و نوعی نابرابری در این میان به وجود می آید، یعنی رابطه ی جنسی بر حسب ارضای تمایلات جنسی مرد تعریف می شود و به تمایلات و خواسته های جنسی زن توجهی نمی شود. بدین ترتیب رابطه ی جنسی بدون رضایت، از جهت روانی نیز زن را تحت الشعاع قرار می دهد (افتخارزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۳، ۱۴۰ و ۱۴۸).

### ۲-۲-۳- آسیب دستگاه تناسلی

به نظر می رسد اولین آسیبی که غالباً پس از انعقاد نکاح متوجه کودک می شود، آسیب حاصل از برقراری رابطه ی جنسی است. یکی از علل ممنوعیت برقراری رابطه ی جنسی با دختر زیر ۹ سال به سبب آسیبی است که به اندام جنسی او وارد می شود و احتمال افضاء شدن وجود دارد، زیرا دستگاه تناسلی او هنوز رشد کافی نیافته است. از طرفی سن متوسط قاعدگی در دختران - که آخرین علامت بلوغ محسوب میشود- ۱۳ سالگی است، هر چند که این سن با توجه به تفاوت هایی که در ابتدای این گفتار اشاره گردید برای دختران بین سنین ۱۳-۹ متغیر است. از طرفی تکامل رشد اندام های بیرونی و درونی مثل پهن شدن لگن، رشد کافی رحم، مهبل و اعضای تناسلی معمولاً در سن ۱۸ سالگی اتفاق می افتد (صابری و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۴). فلذا کودکی که از نظر رشد اندامهای جنسی درونی به تکامل نرسیده است، در اثر برقراری رابطه ی جنسی دچار مشکل و آسیب در ناحیه ی تناسلی خواهد شد و سلامت او با خطر مواجه می گردد.

### ۳-۲-۳- آسیب به حقوق باروری دختران

دخترانی که در سنین پایین ازدواج می کنند، به لحاظ سلامت جنسی آسیب پذیر و در معرض انواع بیماری های مقاربتی و جنسی قرار می گیرند، اما آنچه بیشتر نگران کننده است، چون اغلب شوهرانشان، مردانی هستند که مسن بوده و قبلاً شریک جنسی داشته اند، پس درصد ابتلا به بیماری های مقاربتی و جنسی در مورد این قبیل کودکان بالاتر است. از دیگر سو در بسیاری از نقاط جهان، دختران و پسران، اطلاعات شان در مورد تنظیم خانواده و پیشگیری از بارداری، پیشگیری از ایدز، سلامت جنسی و تولید مثل، اندک است. به عنوان مثال، تنها ۲۴٪ از زنان ۱۵ تا ۲۴ سال می دانند که چگونه در برابر ویروس اچ.آی.وی (HIV) پیشگیری کنند حتی اغلب دختران از رابطه جنسی سالم بی اطلاع هستند. برخی از قوانین کشورها نیز به کودک اجازه نمی دهند که بدون اجازه والدین و همسر، قبل از ۱۸ سالگی از خدمات بهداشت باروری و جنسی استفاده کند. در واقع، سن و جنس به عنوان مانعی در استفاده و اطلاع از خدمات بهداشت باروری و جنسی است. بنابراین نه تنها کودک نمی تواند با سن کم از وسایل پیشگیری از بارداری استفاده کند، بلکه اجازه ندارد در مورد چنین وسایلی نیز صحبت کند زیرا در فرهنگ جامعه، این کار زشت و به عنوان یک ننگ و عار محسوب می شود. از این رو کودکان در خصوص استفاده از روشهای پیشگیری از بارداری، فاقد اعتماد به نفس و آزادی بیان هستند، لیکن در عوض



روش های مدرن، از روش های سنتی جهت پیشگیری استفاده می کنند؛ بنابراین سلامت جنسی و باروری شان در معرض خطر بیشتری قرار می گیرد.

#### ۴-۲-۳- سقط و آسیب های بارداری

علاوه بر احتمال آسیب جسمی در اندام تناسلی، به دلیل پایین بودن سن دختران و عدم آگاهی نسبت به امور جنسی و از طرفی عدم توانایی در برقراری مذاکره در خصوص تصمیمات جنسی، نتیجه ی آن عدم استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری می شود (لطفی، ۱۳۸۹: ۷۴) و حاصل این رفتاری بارداری های مکرر و ناخواسته و در پی آن عوارض ناشی از بارداری مانند داشتن زایمان سخت، زایمان زودرس، تولد نوزادان کم وزن، سقط جنین و همچنین مرگ و میر کودک - مادران و کودکانشان است. تحقیقات نشان داده است که ۶۷ درصد کودک -مادران زیر سن ۱۵ سال حداقل به یکی از چهار عارضه ی مامایی یعنی زایمان طولانی، تب (در اثر عفونت واژینال)، خونریزی شدید و تشنج دچار می شوند (لطفی، ۱۳۸۹: ۷۴-۷۳).

همچنین میان سن کم مادر و معلولیت ذهنی نوزاد رابطه ی معناداری وجود دارد. علت این است که دوران رشد و تکامل خود مادر هنوز به پایان نرسیده است و توانایی لازم برای پرورش موجودی دیگر را در درون خود ندارد. (ملک پور، ۱۳۷۴: ۷۷)

#### ۵-۲-۳- خشونت فیزیکی

یکی دیگر از آسیب های احتمالی جسمی، خشونت فیزیکی شوهر است. کودک در سنین پایین وارد زندگی جدیدی می شود که تکالیفی را بر او بار می کند، اما ناتوانی او و عدم انجام مسئولیت های زندگی مشترک با خشونت و ضرب و شتم شوهر همراه است. تجربه ی زیسته ی بسیاری از کودک-همسران، گواه خشونت فیزیکی همسرانشان حتی پس از گذشت سالها از آغاز زندگی مشترک میباشد (افتخارزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۲).

#### ۳- آسیب های سوء روانی و عاطفی

از دیگر آسیب های ازدواج زودهنگام، بروز بیماری های روحی و روانی است که تمایل به خودکشی را در فرد افزایش می دهد و معمولاً پاسخی در مقابل خشونت همسر است. فرار از منزل نیز به عنوان پیامدی دیگر از ازدواج کودکان شناخته شده است. همچنین در مورد پدیده ی همسرکشی در میان کودک-همسران گزارش هایی وجود دارد که علت آن تحمیلی و ناخواسته بودن چنین ازدواجی بیان شده است (آشوری و معظمی، ۱۳۸۱: ۲۵).



یکی از تأثیرات مخرب ازدواج کودک و در عین حال کم توجه، اثرات منفی است که بر روح و روان کودک از خود به جا می گذارد، به گونه ای که حتی در پسران کمتر از دختران تأثیرش لحاظ می شود. در واقع با چنین ازدواجی، کودک به نوعی از دوران کودکی خود فاصله گرفته و ارتباطش با خانواده و دوستانش قطع شده و از دیگر سو مسؤولیت زندگی نیز مزید بر علت می شود و فعالیتش محدود به امور خانه و بچه داری خواهد شد، لیکن منجر به پیدایش افسردگی و اضطراب می شود. از این رو کودکان به دلیل عدم تحمل شرایط نابرابر و ناتوانی در قدرت حل مشکلات، معمولاً فرار از خانه، خودکشی و یا کشتن همسر را انتخاب می کنند که بیشتر چنین اعمالی در زنانی مشهود است که با فقر مالی، آموزشی و مهارتی و عدم توازن قدرت، حمایت قانون و دیگر افراد را برای خود نمی یابند، لیکن دست به چنین اقداماتی میزنند (مقدادی و جواد پور، ۱۳۹۶: ۴۶)، حتی در مواردی که دختر از ازدواج همراه با خشونت فرار می کند و به خانه باز می گردد، ممکن است توسط والدین طرد و رانده شود و به عنوان یک همسر ناشایست مورد ضرب و شتم نیز قرار گیرد.

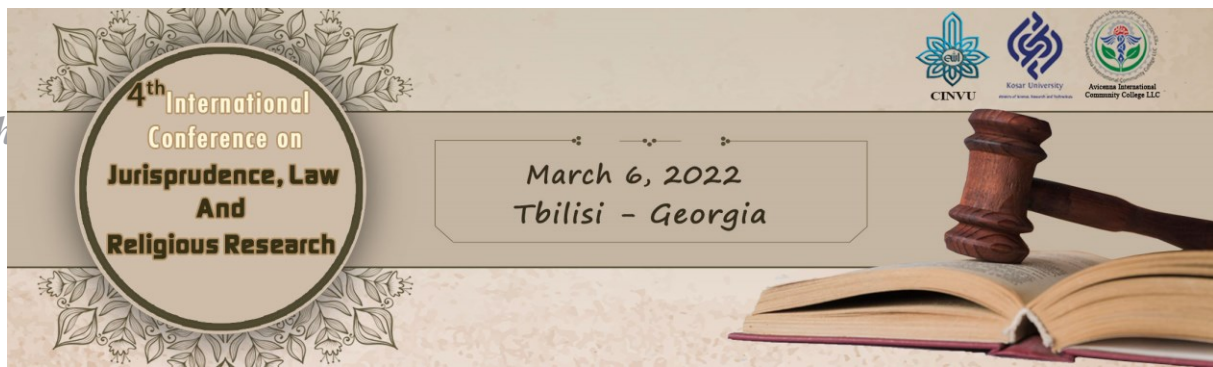
#### ۴- عدم مدیریت خانواده

خانواده به عنوان واحد اجتماعی کوچک نیازمند مدیر و راهبر است تا از هرج و مرج در آن جلوگیری شود در صورتی که پسر دارای سن حداقلی برای تشکیل زندگی باشد، به دلیل عدم مهارت در ارتباط مؤثر با همسر و نداشتن بلوغ کافی عقلی توانایی حل مشکلات را نخواهد داشت. همچنین عدم رشد اقتصادی نیز که یکی از مهم ترین ویژگی ها برای مرد در زندگی است، منجر به بروز مشکلات اقتصادی در خانواده می شود (طاهری، ۱۳۹۳: ۳۵؛ به نقل از احمد پناهی، ۱۳۹۰: ۷۹).

در انتها می توان آسیب های مطرح شده را به دو دسته کلی تقسیم کرد. دسته ی اول آسیب هایی است که اگر فرد به رشد مورد نظر فیزیولوژیکی نرسیده باشد قطعی بوده و با احتمال خیلی بالا اتفاق می افتد، مانند آسیب دستگاه تناسلی و سقط و آسیب بارداری. در حقیقت این آسیبها مستقل می باشند و به صورت مستقیم با شرایط فیزیولوژیکی شخص کودک در ارتباط می باشند. دسته ی دیگر آسیبهایی همچون ترک تحصیل، آسیب های روحی و روانی، طلاق، نارضایتی زناشویی و غیره که مستقل نبوده و صرفاً به شرایط فردی وابسته نمی باشند. در حقیقت ازدواج در سن کم احتمال بروز این آسیبها را به وجود می آورد؛ هر چند ازدواج در سن کم بالا نیز تضمینی برای رفع این آسیبها نخواهد داشت.

#### ۵- تلاش برای اصلاح قوانین

در سال های اخیر تلاش های فراوانی برای اصلاح قوانین مربوط به ازدواج از سوی فعالان سیاسی و اجتماعی صورت گرفته است و چندین طرح درباره سن ازدواج کودکان به مجلس رفته، اما این طرح ها هر یک به نوعی یا تاکنون به نتیجه نرسیده اند یا شکست خورده اند. لایحه «حمایت از کودکان و نوجوانان» یکی از نخستین و مهم ترین تلاش ها در این زمینه است که از



سال ۱۳۹۰ تاکنون در گيرودار بحث‌ها و اعمال نظرها میان مجلس و شورای نگهبان دست‌به‌دست می‌شود و تا به امروز تغییرات زیادی در آن صورت گرفته است؛ تغییراتی چون حذف مجازات دو سال زندان برای افرادی که برای ازدواج خود همسری زیر سن قانونی انتخاب کنند.

تغییرات در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان برای جلب نظر شورای نگهبان همچنان نیز ادامه دارد؛ به طوری که نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اول دی‌ماه امسال، در جلسه علنی مجلس، ضمن بررسی مواد ۹ و ۱۷ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، به منظور تامین نظر شورای نگهبان تغییراتی را در این لایحه اعمال کردند. با این حال تصویب لایحه مذکور همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

تلاش برخی نمایندگان مجلس برای اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی که به باور بسیاری راه را برای ازدواج کودکان از طریق «اذن پدر» باز می‌گذارد نیز در سال ۱۳۹۵، یکی از گام‌های دیگر در مسیر حمایت از حقوق کودکان بود که آن هم با مخالفت برخی افراد به نتیجه نرسید.

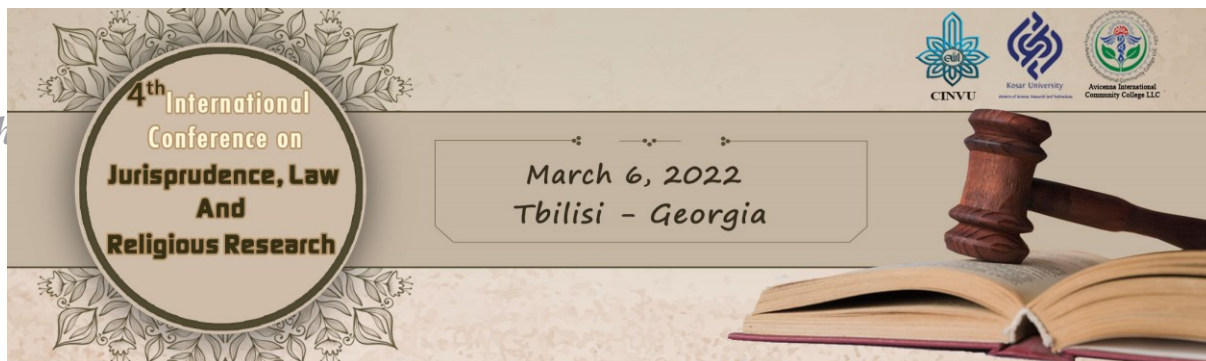
طرح ممنوعیت ازدواج کودکان یا افزایش حداقل سن ازدواج که به طرح «کودک همسری» معروف شد نیز از دیگر طرح‌های مهمی است که سال گذشته از سوی فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی تدوین شد. این طرح از ابتدا مخالفان زیادی در مجلس داشت و در پایان با رای اکثریت اعضای کمیسیون قضایی مجلس رد شد و به تصویب نرسید.

به دنبال این رویداد، «طیبه سیاوشی»، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در حساب کاربری مجازی خود نوشت: متأسفانه طرح ما برای ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۳ سال به طور کلی در کمیسیون قضایی مجلس رد شد. آن هم با وجود آنکه پیشتر یک فوریت طرح در صحن مجلس رای آورده بود. دلایل مخالفان بیشتر مسایل فقهی و شرعی عنوان شد و البته اینکه طرح ما کپی‌برداری از طرح‌های غربی است.

از آنجا که میزان طلاق و دیگر آسیب‌ها در کودک همسری می‌تواند افزایش پیدا کند، بنابراین باید با دقت بیشتر از طرف مجلس مورد بازنگری قرار گیرد.

## ۶- نتیجه گیری

پدیده ازدواج زودهنگام کودکان در ایران از انواع ازدواج می‌باشد که حداقل یکی از طرفین کمتر از ۱۸ سال سن داشته باشند. این پدیده در اکثر کشورهای دنیا وجود دارد و تلاش جامعه جهانی برای پیشگیری و کاهش آن شروع شده است. این آسیب اجتماعی در ایران نیز از سوی هنجارهای سنتی و فرهنگی مورد تایید قرار گرفته است، با وجود مطالبه مکرر جامعه مدنی و فعالان اجتماعی از سوی دولت مسکوت مانده است و گام موثری برای مقابله با آن برداشته نشده است.

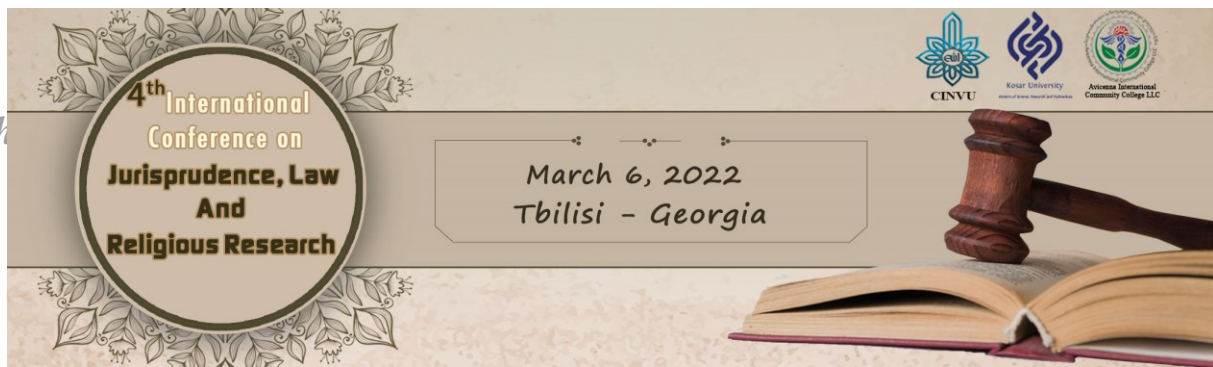


نکاح نیاز به آمادگی و بلوغ جسمانی و فکری طرفین دارد. باید گفت، بلوغ کودک پایان دوره طفولیت وی و ورود او به دنیای دیگری است. ازدواج در سنین پایین در درصد بالایی از موارد نه به دلیل تمایل شخصی و رسیدن به بلوغ جنسی رخ می دهد، که به دلیل فقر خانواده، خرده فرهنگ های غلط اجتماعی و داشتن پدران ضعیف رخ می دهد.

از سوی دیگر، در این دسته دختران میزان اطاعت پذیری محض بیشتر است که زندگی مردسالار را ساده تر می کند. تمتع و لذت جویی جنسی بیشتر مردان از طراوت دختران کم سن و سال نیز باعث گرایش به این نوع ازدواج شده است.

ازدواج زودهنگام حکم به پایان ناگهانی کودکی داده و با بازداشتن کودکان از رشد فیزیولوژیکی و جسمی لازم برای آمادگی ذهن و جسم و فکرشان برای تبدیل شدن به همسرانی بالغ، والدینی آگاه و در کل شهروندانی کنشگر، آنها را با بی رحمی به دنیای بزرگسالی هل می دهد.

ازدواج کودکان هویت آن ها را مخدوش ساخته و ایشان را به غلط بزرگسال می نامد با قرار دادن بچه ها در نقش بزرگسالان، کودک همسری تغییراتی را در نسل های حال و آینده تحمیل می کند، تبعیض و ظلم بر مبنای جنسیت به حوزه تفکر گروهی نفوذ کرده و به نسل بعد منتقل می شود. سطوح بالای استرس های جسمی از دیگر پیامدهای کودک همسری است.



## منابع

### کتاب

- اعتدال، محمد. ۱۳۸۹، **اعتبار و اهمیت رویه قضایی**، شیراز: انتشارات نوید .
- پورعبدالله، کبری. ۱۳۹۵، **قاعده مصلحت در مقررات خانواده**. چ ۱، تهران: دادگستری.
- صابری، فضل... و دیگران، ۱۳۸۹، **پیشگیری از رفتار مخاطره آمیز در نوجوانان و جوانان سنین بلوغ**، اصفهان: شهید حسین فهمیده.
- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله. ۱۳۹۳، **مختصر حقوقی خانواده**، چ چهارم، تهران: میزان.
- صفوی، خانه سادات و مینایی، ماه گل ۱۳۹۴. «**تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر مطالعه ازدواج زود هنگام دختران آران بیدگل**». پژوهش نامه زنان.
- علی دوست، ابوالقاسم. ۱۳۸۸، **فقه و مصلحت**. چ ۱. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- گرگی، ابوالقاسم و دیگران. ۱۳۹۲، **بررسی تطبیقی حقوق خانواده**، ج ۳، تهران: دانشگاه تهران.

### مقالات و پایان نامه ها

- آشوری، محمد و معظمی، شهلا. ۱۳۸۱، «**نگاهی به پدیده همسرکشی در استان فارس**». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، ش ۵۸.
- افتخارزاده، سیده زهرا. ۱۳۹۴، «**تجربه زیسته زنان در ازدواج زود هنگام**». پژوهشنامه مددکار اجتماعی، ش ۳.
- طاهری، هادی، ۱۳۹۳، «**نکاح اطفال در فقه و حقوق موضوعه ایران**». پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- علیزاده، عبدالرضا. ۱۳۹۳، «**تحلیل اجتماعی، حقوقی و معرفتی از رویه ی قضایی**». مجله حقوق خصوصی ش ۲۴.
- لطفی، راضیه. ۱۳۸۹، «**پیامدهای سلامتی ازدواج زودرس در زنان**». فصلنامه زن و بهداشت، ش ۲.
- مقدادی، محمدمهدی و جواد پور، مریم. ۱۳۹۶، «**تاثیر ازدواج زود هنگام بر سلامت جنسی کودکان و ساز و کارهای مقابله با آن**». فصلنامه حقوق پزشکی، ش ۴۰.
- ملک پور، مختار. ۱۳۷۴، «**بررسی رابطه ی سن کم مادر و میزان هوش در فرزند**»، اندیشه و رفتار، ش ۱ و ۲.